طب مکمل و طب نوین

دکتر محمدرضا توکلی‌صابری

طب نوین و یا طب مرسوم حاصل دو هزار و پانصد سال انباشت تجربه بشری است و از بقراط شروع شده و به نقشه‌برداری از ژنوم انسان انجامیده است و حاصل اندیشه و تجربه مردان بزرگی همچون بقراط، جالینوس، زکریای رازی، ابن‌سینا، پاستور، فلمینگ، واتسون و کریک است. هر یک از این مردان در شکستن مرزهای جهل و پیش بردن دانش پزشکی و زیست‌شناسی نقش مهمی داشته‌اند. با این حال دستاوردهای پزشکی و داروسازی در پنجاه سال گذشته مهم‌تر، مؤثرتر، دقیق‌تر و علمی‌تر از دستاوردهای دانشمندان جهان در دو هزار و چهارصد و پنجاه سال گذشته است. این از اهمیت کار دانشمندان و پزشکان گذشته نمی‌کاهد، زیرا روند کسب معرفت چنین است. اگر بخواهیم این پیشرفت را نمایش دهیم به شکل مخروطی است که رأسش رو به پایین و قاعده‌اش رو به بالا است و روز به روز به ارتفاع و قطر قاعده مخروط افزوده می‌شود. در کنار این پزشکی معمول و مرسوم (conventional medicine) که پزشکی نوین (modern medicine) نیز خوانده می‌شود، چند دهه‌ای است که شبه پزشکی‌های دیگری رواج یافته است که به نام‌های گوناگونی مانند طب مکمل، (complementary medicine)، طب کل‌نگر (whoistic medicine)، طب جایگزین یا طب دیگر (alternative medicine)، طب یکپارچه (integrative medicine)، طب سنتی (traditional medicine) و طب اسلامی (Islamic medicine) خوانده می‌شود. این طب شامل روش‌های درمانی گوناگونی است که در دوران‌های مختلف تاریخی در جوامع ابتدایی و یا پیشرفته جریان داشته است. طب مکمل روش‌های درمانی بسیاری را شامل می‌شود. از مراسم جوامع ابتدایی آفریقایی مانند خواندن اوراد و رقصیدن برای دور کردن شیاطین ایجادکننده بیماری‌ها، روش‌های درمانی شامان‌های (shaman) آمریکایی که شامل طبل زدن و خواند اوراد است، اعمال وودوهای (voodoo) هائیتی و یا آفریقای غربی، تا شیوه‌های عقلانی‌تر اما شبه علمی و بی‌اثر مانند طب سوزنی چینی و یا طب آیورودای هندی، شیاتزو، ریکی، کریستال درمانی، بادکش کردن،

زالو درمانی، عطر درمانی، آب درمانی،طب سنتی و شیوه‌های رایج در غرب مانند مغناطیس درمانی، ناتروپاتی، رفلکسولوژی، هومئوپاتی، استئوپاتی و کایرو پراکتیک و شارلاتانیسم محض مانند انرژی درمانی و فرادرمانی را در بر می‌گیرد. این شیوه‌ها بر مبنای سنت‌های تاریخی و یا فرهنگی ملل گوناگون قرار داشته و بنیاد علمی ندارند. عنوان طب مکمل، طب جایگزین و طب دیگر نام‌های بی‌مسمایی هستند، زیرا چیزی به پزشکی نوین نمی‌افزایند تا مکمل آن باشند، نمی‌توانند جایگزین آن باشند و یا راه‌های دیگری را عرضه دارند که مؤثرتر و کارآمدتر از پزشکی و داروسازی نوین باشد.

یکی از رشته‌های پزشکی مرسوم یا نوین پزشکی فارماکوگنوزی (pharmacognosy) است که در دانشکده‌های داروسازی ایران و جهان تدریس می‌شود و با استفاده از روش علمی به مطالعه طب سنتی کشورهای گوناگون می‌پردازد. داروهای مهمی مانند آسپیرین، افدرین، دیگوکسین، کینیدین و تاکسول داروهایی هستند که با استفاده از روش‌های مدرن شیمیایی و داروسازی روی طب سنتی ملل مختلف به‌دست امده‌اند و بسیار مؤثرتر، قوی‌تر و قابل کنترل و اندازه‌گیری‌تر از گیاهان حاوی این داروها هستند. پزشکی کنونی مبنی بر مدرک و سند (evidence-based, modern medicine) است، یعنی دانش بنیاد و مدرک بنیاد است. شیوه طب نوین استفاده آگاهانه، روشن و عاقلانه از بهترین شواهد و مدارک موجود برای تصمیم‌گیری در مورد مداوای بیماران است. به عبارت دیگر، ارایه بهترین خدمات درمانی بر اساس بهترین مدارک و شواهد موجود این شواهد با انجام آزمایش‌های علمی دقیق به‌دست می‌آید.

طب مکمل و طب دیگر مبنی بر ادعا (claim-based evidence)های ثابت نشده است. طب مکمل عبارت است از استفاده از روش‌ها و شیوه‌های درمانی تاریخی است که گاهی حتی به علت مصلحت سیاسی، مشکلات اجتماعی و سنت‌های فرهنگی رواج یافته است. مانند هومئوپاتی که در دوران نازی‌ها به‌عنوان طب آریایی ترویج می‌شد و طب سوزنی که در دوران مائوتسه دون به‌عنوان طب چینی ترویج می‌شد و طب آیورودیک که به‌عنوان طب هندی ترویج می‌شود. در هر دو مورد سیاستمداران می‌خواستند، طب ملی و مستقلی ایجاد کنند که جایگزین طب غربی باشد. غافل از این که طب غربی یا طب نوین خود حاصل جمع تجربیات تمام جوامع بشری است. در بعضی جوامع، فقیر مانند هند و یا بعضی کشورهای آسیایی و آفریقایی نبودن بودجه کافی برای خرید داروهای گران امروزی که تولیدکنندگان آن معمولاً غربی هستند،از عوامل دیگر رویکرد به طب مکمل و طب دیگر است.

طرفداران و دست‌اندرکاران طب مکمل و طب دیگر معمولاً به گذشته تاریخی پزشکی بر می‌گردند و می‌خواهند روش‌های ناکارآمد گذشته را به‌کار بگیرند. آن‌ها به علت فلسفی، سیاسی، فرهنگی، عقیدتی به آن روی می‌آورند، بدون آن که به اثربخشی شیوه‌های درمانی آن توجه کنند. آن‌ها به فرآیند پژوهش علمی اهمیت نمی‌دهند، آن را نمی‌فهمند و با وجود اسناد و مدارک و شواهد متعدد

آن‌ها را نادیده گرفته و به دنبال طب مکمل می‌روند که بر پایه شیوه‌هایی است که زمانی تصور می‌شده است که کارآمد هستند، اما امروزه با روش‌های علمی ودقیق نشان داده شده که تأثیر درمانی ندارند. اگر هم با روش‌های علمی ثابت شوند که مؤثر هستند، دیگر جزو طب مکمل نخواهند بود و بی‌درنگ جزو طب نوین خواهند شد.

اکنون که شیوه‌های غیرعلمی طبابت و داروها و روش‌های بیهوده از طریق ترجمه کتاب‌ها و مطبوعات غربی، جایگاه‌های اینترنتی و ماهواره‌ها در ایران فراوان شده، جا دارد که به این موضوع توجه شود و هزینه و وقت بیماران و پژوهشگران روی روش‌های بی‌فایده و بی‌اثر تلف نشود. وقت و هزینه‌ای که بیماران می‌توانند برای داروها و روش‌های مفیدتر صرف کنند. وقت و هزینه‌ای که پژوهشگران باید در مراکز جدی علمی مانند انستیتو پاستور، مؤسسه رازی، مرکز سلول‌های بنیادین، مرکز همانندسازی و دیگر مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی کشور مصرف کنند.

مارک تواین نویسنده آمریکایی گفته است: «هنگام استفاده از کتاب‌های پزشکی دقت کنید، شاید در اثر یک غلط چاپی بمیرید.» این گفته مارک تواین شامل روزنامه‌ها و مجلات و اینترنت هم می‌شود. این روزها توصیه‌های بهداشتی و تجویزهای پزشکی به وفور در این رسانه‌ها یافت می‌شود. اکثر کسانی که این توصیه‌ها و تجویزهای پزشکی را ارایه می‌دهند، هیچ‌گونه آموزش پزشکی ندارند. طب مکمل حاوی مقدار زیادی اطلاعات نادرست، ادعاهای اثبات نشده، آمارهای غیرواقعی و توصیه‌های بی‌فایده و گاهی خطرناک پزشکی و دستورالعمل‌های غیرپزشکی برای درمان بیماری‌های خطیر است که موجب سردرگمی خوانندگان شده و ممکن است آن‌ها تصمیم‌های نادرستی را برای درمان بیماری‌های مهم خود بگیرند و مصداق گفته مارک تواین شوند. بسیاری از این رسانه اطلاعات نادرستی منتشر می‌کنند و ادعا می‌کنند که فلان روش یا شیوه درمانی در دانشگاه‌های آمریکا و یا اروپا تدریس می‌شود و پزشکان از آن روش‌ها برای درمان بیماری‌ها استفاده می‌کنند، در حالی که این موضوع اصلاً حقیقت ندارد.

در این مقاله، به‌طور مختصر به بعضی از این اطلاعات و آمارهای نادرست اشاره می‌گردد: در هیچ یک از دانشکده‌های پزشکی آمریکا طب مکمل، طب سوزنی یا هومئوپاتی تدریس نمی‌شود. اصولاً در آمریکا هیچ دانشکده هومئوپاتی وجود ندارد. در اوایل قرن بیستم چند کالج وجود داشت که پس از اثبات بد اثر بودن هومئوپاتی، آن کالج‌ها هم تعطیل شدند. البته، انجمن‌های هومئوپاتی آموزشگاه‌هایی دارند که نام آن را کالج یا دانشکده می‌گذارند، ولی این مراکز اعتبار یک دانشکده یا کالج را ندارند و بنیاد ملی علوم آمریکا و وزارت بهداری این کشور این مؤسسه‌ها و انجمن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. آمارهای مربوط به تعداد استفاده‌کنندگان از طب مکمل و طب دیگر که در این رسانه‌ها ارایه می‌شود، بسیار اغراق‌آمیز و خلاف واقعیت است. تعداد افرادی که در سال ۲۰۰۲ در آمریکا از طب سوزنی استفاده کرده‌اند ۱/۱ درصد، هومئوپاتی ۱/۷ درصد، فرآورده‌های طبیعی ۱۸/۹ درصد، کایروپراکتیک ۷/۵ درصد و یوگا ۵/۱ درصد

است. باید توجه داشت که طب مکمل یک صنعت ۴۰ میلیارد دلاری است و اجازه فروش محصولات مربوط به طب مکمل در اثر فشار سیاستمداران و مدیران این صنایع بر سازمان‌ها و نهادهای دولتی است. مطالب ترجمه شده از جایگاه‌های اینترنتی در این رسانه‌ها همه از جایگاه‌های اینترنتی است که در ترویج این روش‌ها منافع مادی دارند.

■ تعریف طب مکمل

بر طبق تعریف بنیاد علوم آمریکا (National science foundation) که بزرگ‌ترین سازمان سیاست‌گذاری علمی در آمریکا است و بر سازمان‌های علمی آمریکا نظارت دارد تعریف طب مکمل یا طب کل‌نگر یا طب دیگر عبارت است از «تمام روش‌های درمانی که با استفادهاز روش‌های علمی (scientific methods) ثابت نشده که مؤثر هستند». مؤسسه پزشکی (Institute of medicine) آمریکا که زیر مجموعه آکادمی علوم آمریکا است، طب دیگر و طب مکمل را چنین تعریف کرده است: «رویکرد غیرغالب به پزشکی در یک فرهنگ معین و در یک دوره تاریخی معین». ریچارد داوکینز زیست‌شناس و متفکر انگلیسی طب دیگر را این‌جور تعریف می‌کند: «یک رشته اعمال که نمی‌شود آن‌ها را آزمود، از آزمایش شدن امتناع می‌ورزند و پیوسته در این آزمایش‌ها رد می‌شوند». بسیاری از سازمان‌های بهداشتی و درمانی کشورهای اروپایی مانند انگلستان نیز تعریف‌های مشابهی را ارایه داده‌اند.

تنها روشی که می‌تواند آن‌چه را که به نام طب مکمل و طب دیگر معروف است به‌عنوان یک روش درمانی مورد پذیرش حرفه پزشکی قرار دهد، انجام ازمایش‌های پزشکی به روش دانشورزانه است که در پزشکی نوین معمول است. اما تولیدکنندگاناین محصولات و ترویج‌کنندگان آن‌ها از این گونه آزمایش‌ها خودداری می‌کنند. برای مثال، اداره مواد خوارکی و داروی آمریکا (FDA) در سال ۱۹۹۳ می‌خواست شرکت‌های تولیدکننده محصولات طب مکمل را وادار به انجام پژوهش‌های علمی در مورد این فراورده‌ها و اثبات کارآیی آن‌ها بکند، ولی هم مصرف‌کنندگان و هم تولیدکنندگن مبارزه‌ای جدی را علیه این اداره آغاز کردند، به‌طوری که سعی این اداره به جایی نرسید. این محصولات به هیچ‌وجه دارو محسوب نمی‌شوند، زیرا هیچ‌گاه از اداره مواد خوراکی و دارو در آمریکا اجازه نمی‌گیرند و خارج از قوانین مربوط به محصولات دارویی هستند. از آن‌جایی که هیچ کنترلی بر ادعاهای پزشکی تولیدکنندگان این محصولات نمی‌شود، در داروخانه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی به فروش نمی‌روند، بلکه در سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی و بهداشتی به فروش می‌روند.

مؤسسه بهداشت ملی (National institute of health) امریکا در اثر فشار بنیادگرایان مسیحی و بعضی سیاستمداران طی یک دوره ۱۰ ساله، گروهی را مأمور تحقیق در مورد طب مکمل کرد، ولی نتیجه پژوهش‌های آن‌ها در مورد کارآمدی طب مکمل منفی بود. گروهی از برجسته‌ترین دانشمندان و دست کم چهار برنده جایزه نوبل از این مؤسسه خواسته‌اند که مرکز پژوهش‌های طب مکمل و طب دیگر را در این مؤسسه تعطیل کند، چون بخش عظیمی از این پژوهش‌ها بر مبنای

فهم نامرســوم از فیزیولــوژی و بیماری‌ها مبتنی اســت و تأثیر کمی داشته یا اصلاً تأثیری نداشته است. تمام بررســی‌های انجام شده در مورد طب سوزنی نشان داده که اگر این شیوه تأثیری داشته، برابر اثر دارونما (placebo) بوده و بیماری پس از مدت کوتاهی بازگشته است.

طــب مکمل ادعاهای زیــادی در مورد درمان بیماری‌ها دارد، بدون آن که هیچ‌گونه مدرک علمی ارایه کند. ادعای درمان هپاتیت وایدز با طب سوزنی یک ادعای گزاف و بســیار مضحک است. کسی که چنین ادعایی دارد، حتی از تئوری طب سوزنی در مــورد مریدین‌ها و چی یا از طب نوین در مورد ویروس‌ها کوچک‌ترین اطلاعی ندارد. کسانی که در آمریکا به دنبال چنین درمان‌هایی می‌روند معمولاً هیپی‌ها، مسیحیان بنیادگرا و خرافی، معتقدان به فلســفه‌های شرقی مانند بوداییسم و ذن و یا افراد عامی هســتند که از مبانــی علمی هیچ اطلاعی ندارند. انعکاس عقاید شــخصی بیماران موافق یا مخالــف طب مکمل در رســانه‌های طرفدار طب مکمل هیچ‌گاه ارزش نتایــج پژوهش‌های مراکز تحقیقاتی بین‌المللی را ندارد. ادعای درمان خیانت به همســر یا میگــرن با هومئوپاتــی آن‌طور که گزارش شده، ادعایی گزافه و کذب محض است. آزمایش‌های انجام شده با داروهای هومئوپاتی روی هزاران بیمار نشــان داده که داروهای هومئوپاتی هیــچ تأثیری ندارند یا اگر تأثیر دارند، تأثیرشــان برابر ماده بی‌اثر یا دارونما اســت. اصولاً ترکیبات هومئوپاتی آن‌قدر رقیق هســتند که در آن‌ها ماده دارویی وجود ندارد.

اســتفاده از فصد یا رگ زدن همــراه با تنقیه، بادکش کردن، ایجاد اســتفراغ و تاول زدن برای درمــان ســرماخوردگی، زخم معــده، مرض قند، بیماری‌هــای عصبی و هــزاران ناراحتی دیگر در قرون گذشــته به علت فقر علمــی بوده و نه تنها تأثیر نداشــته است، بلکه افراد بسیاری جانشان را در اثر این درمان‌ها از دست داده‌اند. از جمله «جرج واشــنگتن» اولین رئیس جمهور آمریکا که نیمی از حجــم خونش را در اثر رگ زدن از دســت داد. پزشکان او برای درمان سرماخوردگی او این روش را تجویــز کردند و طی دو روز ۲/۵ لیتر خون از او گرفتند و این مرد ۶۷ ســاله در اثر دهیدراتاسیون (کاهش آب بدن) درگذشت!

رگ زدن و فصــد فقط در موارد معدودی مانند بیماری هموســیدروز (افزایــش بیش از حد آهن خون) و بعضی احتباس‌ها تجویز می‌شــود. خون گران‌بهاترین مایع بدن اســت و نباید قطره‌ای از آن را از دســت داد. برخلاف گزارش این رسانه‌ها، هیــچ داروی گیاهی برای درمــان نازایی، ایدز و هپاتیت وجود ندارد و نشــر چنین ادعاهای گزاف بزرگ پزشکی از ســوی یک عطار یا فلان دکتر علفی توسط این رسانه‌ها بسیار خطرناک است. به راستی چه کسانی در ایران یا آمریکا به دنبال این نوع درمان‌ها می‌روند؟ به‌طــور کلی، افراد زیر به دنبال این‌گونه درمان‌ها می‌روند: کسانی که دانش زیادی در مورد پزشــکی ندارند، آن‌هایی که دچار ناراحتی‌های درمان‌ناپذیر مانند ســرطان، آرتریت روماتویید و طاسی هستند و به‌عنوان آخرین چاره به این روش‌ها روی می‌آورند. کسانی که از اقشار محروم هســتند و دسترسی به تسهیلات پزشکی مدرن و گران قیمت ندارند.

اگر افـــراد تحصیل‌کرده‌ای هم به ســـوی این مدعیان می‌روند یا از سر کنجکاوی است یا از سر اضطرار، مانند «اســـتیو جابز» یکی از بنیادگذاران کمپانی اپل. «استیو جابز» که قربانی طب مکمل شـــد، سرطان پانکراس داشـــت. وقتی سرطان او تشـــخیص داده شـــد، به توصیه پزشـــکان برای جراحـــی پانکراس اقدامی نکـــرد. این مرد که در صنعت الکترونیک انقلابی ایجاد کرد، به تصور آن کـــه می‌تواند همان کاری را که در زمینه کامپیوتر انجام داد در زمینه پزشـــکی هم انجام دهد، سعی کرد با داروهای گیاهی یا رژیم غذایی، مدیتاسیون و روش‌های عجیب و غریب سرطان خود را درمان کند. متأسفانه، وقتی به بی‌نتیجه بودن این روش‌ها پی برد که بســـیار دیر شده بود و مجبور شد که به عمل جراحی پانکـــراس و پیوند کبد رضایت دهد تا چند ســـالی بیشـــتر زنده بماند. در حالی که اگر همان موقع که سرطانش تشخیص داده شده بود، از روش‌های درمانی و دارویی نوین استفاده کرده بود، جهان این مرد بزرگ را به این زودی‌ها از دست نداده بود و میوه‌های ابداعات و اختراعات بیشـــتر او را می‌چشـــید. او تنها قربانی روش‌های پزشکی اثبات نشـــده نیست، افراد بی‌شمار دیگری همانند او همه روزه در ســـکوت مرگ را می‌چشند، بدون آن که جهان از رفتنشان آگاه یا اندوهناک باشد.

دیگـــر آن که، آن‌چه به‌عنـــوان مکمل و یا طب کل‌نگر در نشـــریات سازمان بهداشت جهانی آمده است نه به‌عنوان تأیید این روش‌ها از نظر پزشکی است، بلکه به‌عنوان توضیح اطلاعاتی در زمینه‌های فرهنگـــی ملل مختلف اســـت و ایـــن ملیت‌های مختلف برای حل مشکل خود چه روش‌هایی را به کار می‌برند. همین‌طور سازمان‌هایی که روی طب مکمل و طب دیگر تحقیق می‌کنند در مورد ادعاهای آن‌هایی که به کســـب درآمد در طب مکمل و طب دیگر مشغول هستند، هیچ حقانیتی ایجاد نمی‌کند، بلکه نشان می‌دهد که این سازمان به‌عنوان موضوع تحقیقاتی به این موضوع علاقمند است. اگر روزی روش‌های درمانی آن‌ها به شیوه علمی ثابت شود، آن وقت جزو طب نوین یا جاری در می‌آیند.

باید دانســـت که هرگونـــه روش درمانی، مانند دارو درمانی، روان درمانی، روش‌های پزشـــکی و یا روش‌هـــای خرافی تقریباً تا حدودی در تخفیف و تســـکین هر بیماری مؤثر است، اما آن‌ها را شفا نمی‌دهد. یک فرد بی‌اطلاع ممکن است به راحتی این موضوع را باور کند که یک بیماری ممکن است در اثر یک روش غیرپزشکی شفا یابد. در حالی که هر بیماری یک دوره معین شـــدت و ضعف و یک سیر طبیعی دارد (دوره کمون، بروز، استقرار، شدت و بهبود) و به اصطلاح بالا و پایین می‌رود و پیشرفت و پسرفت دارد.

مشـــاهده و تجربه شخصی و گواهی فردی، چه پزشـــک و چه بیمار، در مـــورد یک دارو به ندرت به‌عنوان دلیـــل تأثیر آن دارو ویـــا روش درمانی پذیرفته می‌شود. البته ممکن است که این مشاهده و تجربه شخصی مبنای آزمایش‌های علمی برای اثبات و یا رد داروها و روش‌های درمانی باشد، اما به تنهایی هیچ‌گاه نباید به‌عنوان مدرک و دلیل اثر بخشـــی یا ایمنی یک دارو پذیرفته شود. در طب مکمل معمولاً به گفته‌های پزشکان بزرگ تاریخ و گواهـــی و تجربه فردی بها داده می‌شـــود، در حالی که یک شیوه درمانی و یا دارویی باید بدون

توجه به اعتبار، تخصص و یا شـــخصیت کسی که چنین تجربه یا مشاهده‌ای را داشته، درست باشد. فقط توســـط آزمایش‌های کنترل شـــده و دقیق و یا آزمایش‌های دانشـــورزانه اســـت که تأثیر یک دارو ثابت می‌شـــود. در طب مکمل هیچ‌گاه به این روش‌های جدید علمی بهایی داده نمی‌شود.

کارآیی پزشکی نوین در این است که شیوه‌های متعددی را برای تعیین کارآمدی و اثربخشی یک روش درمانی یا دارو پیدا کرده و این شـــیوه‌های پژوهش، سلاح پرقدرتی را در اختیار پزشکی نوین گذاشـــته است که با آن به آســـانی می‌تواند همه ادعای پزشـــکی را آزمایـــش کند و آن‌هایی را که مؤثر هستند، انتخاب کند و آن‌هایی را که بی‌تأثیر هستند، کنار گذارد.

متأسفانه، داروها و روش‌های رایج در طب مکمل هیچ‌گاه از چنین روش‌هایی اســـتفاده نمی‌کنند و سازمان‌های بهداشتی کشورها بر کار آن‌ها نظارت ندارند و همگی در خارج از سیســـتم پزشکی این کشورها تولید و مصرف می‌شوند. اطلاعات مربوط به شـــیوه‌های طب مکمل توسط تولیدکنندگان و فروشـــندگان محصولات طب مکمل تهیه شده و به فروش می‌رسد. ادعاهای مربوط به اثر شیوه‌ها و داروهای طب مکمل هیچ‌گاه با روش‌های جدی و دقیق و علمی پزشکی نوین آزمایش نشده و اگر شده است پاسخ مثبت نداده است. روش‌های طب مکمل چنان غیرعقلانی و خارج از شیوه‌های مرسوم و پذیرفته شـــده توسط تحقیقات پزشکی است که هیچ پزشک و پژوهشگری آن‌ها را جدی نمی‌گیرد. مانند قانون اثر بخشی داروهای هومئوپاتی در اثر رقیق شدن، قانون درمان مشابه با مشابه که هیچ اصل فیزیولوژیکی وجود ندارد که چنین چیزی را نشان دهد. هومئوپات‌ها با توجه بیشتر به مشکلات جســـمی و روحی بیمار بیشتر پرستاری می‌کنند تا طبابـــت. قوانین هومئوپاتی نیـــز برخلاف قوانین فیزیـــک (قانون رقت‌ها، حافظـــه آب، زدن ضربه برای افزایش خاصیت فارماکولوژی)، قوانین شیمی (افزایش اثـــر فیزیولوژیک با کاهش غلظت، عدم قبول عـــدد آووگادرو، نبودن هیچ مولکولی از ۳۰ غلظت به پایین) زیست‌شناسی و فارماکولوژی (عدم قبول پذیرنده‌ها، اصل درمان مشابه بامشابه) است. هم چنین بیماری دیابت و یا زخم معده با مستقیم نبودن ســـتون فقرات هیچ ربطی ندارد، آن‌طور که کایروپراکتیک‌ها تبلیغ می‌کنند.

در مطالعات انجام شـــده توسط دست‌اندرکاران طب مکمل هیچگاه گروه کنترل یا شـــاهد به کار گرفته نمی‌شود. مثل این است که کسی یک نظریه جدید بدهد مبنی بـــر این که اگر به کودکان پنیر بدهید، قد آن‌ها بلندتر می‌شـــود. پس از سه سال قـــد این گروه کودکان را که فقـــط پنیر خورده‌اند انـــدازه بگیرید و بگویید که بلـــی قد آن‌ها بلندتر شده است و بنابراین، پنیر در بلندتر شدن قد مؤثر اســـت! در حالی که باید طول قد گروه دیگری از همان کودکان را در گروه سنی مشابه که به آن‌ها هیچ‌گاه پنیر داده نمی‌شود، به‌عنوان شاهد به‌طور هم‌زمان مطالعه کرد و ســـپس نتیجه رشد این دو گروه را با هم مقایسه کرد.

■ طب نوین

همه ما وقتی که پزشـــکی بیماری ســـخت و علاج‌ناپذیـــری را درمان می‌کند و یا با یک عمل

جراحی خطرناک زندگی کســی را نجات می‌دهد احترام زیادی برایش قایل هســتیم. این قدرت را چه کسی به پزشک و جراح داده است؟ این قدرت را دانشورزی داده است.

علت موفقیت عظیم طب نوین دو چیز اســت. یکی اســتفاده از روش دانشــورزانه برای شناخت بیماری‌ها و درمان آن‌ها. دیگری انباشــت دانش پزشــکی طی ســده‌ها در کشــورهای مختلف. پزشــکی نوین پس از جنگ جهانی دوم با کشف آنتی‌بیوتیک‌ها، بیهوش‌داروها و ضددردها شــکل کنونــی خود را گرفت. مصرف هم‌زمان این ســه دارو امکان جراحی‌ها، مانند باز کردن شکم و بخیه زدن اندام‌ها را ممکن ساخت. دانش ژنتیک انقلابی بزرگ‌تر در زیست‌شناسی و پزشکی ایجاد کرد که کمترین دستاورد آن همانندسازی است.

یک پزشک پس از یک رقابت سخت با بهترین دانش‌آموزان دیگر وارد دانشکده پزشکی می‌شود. در ســال‌های اولیه دانشــجویی علوم پایه مانند فیزیک، زیست‌شناســی، شــیمی را به‌طور نظری و نیز عملی مطالعه می‌کند. ســپس در سال‌های بعد علــوم بینابینی مانند بیوشــیمی، فیزیولوژی، فارماکولوژی، میکروب‌شناســی، آسیب‌شناسی و غیر آن‌ها را مطالعه کرده و در آزمایشــگاه به‌طور عملی مهم‌تریــن اصول آن‌ها را آزمایش می‌کند، سپس به‌عنوان انترن در بخش‌های مختلف مانند طب داخلــی، جراحی، کودکان، زنــان و مامایی، روان‌پزشــکی و اعصاب زیر نظر استادان مختلف به‌طور عملی آموزش می‌بینند. پس از هفت ســال مطالعه، آزمایش و دیدن بیمار وارد اجتماعی می‌شود ولی طی این هفت سال یک سری مطالب کلی و عمومی را یاد می‌گیرد. حال اگر بخواهد در زمینه پزشکی تخصص بیشتری پیدا کند باید چهار سال در بیمارستان زیرنظر استادان این رشته به تحقیق و طبابت بپردازد. تا در یک رشــته تخصصی مانند قلب و عروق خونی،دستگاه گوارش، چشم و گوش و حلق و بینی و یا پوست دانش اندوزی کند. پس از این باید سال‌ها طی دیدن هزاران بیمار مختلف تجربه بیاندوزد.

پزشــکان هنگام معاینه بیمار از او شرح حالش را می‌گیرند، گرفتن نبض، شــنیدن صدای قلب، شــمردن تعداد ضربان قلب، شنیدن صدای ریه، دیدن ته چشم، لمس شکم، اندازه‌گیری فشارخون و بسیاری دیگر از روش‌های معاینه بر حسب احتمال نوع بیماری انجام می‌شــود. ســپس ممکن است پزشک دستور آزمایش خون، ادرار، عکسبرداری با اشعه ایکس و یا استفاده از ده‌ها وسیله الکترونیکی مختلف را بدهد تا به تشخیص خود برسد. به این ترتیــب می‌بینیم که روش‌های تشــخیصی طب نوین جامع‌تر، کامل‌تــر و کل‌نگرتر از روش‌های طب مکمل یا دیگر روش‌های شبه پزشکی است.

داروهای طب نوین پس از آزمایش‌های متعدد در روی میکروارگانیسم‌ها، جانوران و سپس انسان به بازار می‌آیند و به‌طور هم‌زمان در کشــورهای مختلف روی آن‌ها آزمایش می‌شود. ترکیب آن‌ها مشخص است و برای بیماری‌های معینی و به مقدار معلومی تجویز می‌شوند. داروهای طب مکمل، طب سنتی و طب اسلامی هیچ یک از این مراحل را طی نمی‌کنند. معلوم نیست که در ترکیبات کپسول‌ها و شربت‌های آن‌ها چیست. در موارد بسیاری در آن‌ها مواد ضد درد، آنتی‌بیوتیک، مواد مخدر، کورتون و

خواب‌آور دیده شـــده اســـت که برای افزایش اثر افزوده شده‌اند.

حال ایـــن فرآیند آموزش و پژوهـــش و تعداد بی‌شمار دستگاه‌ها و روش‌هایی را که یک پزشک برای درمان بیمار در دسترس دارد، مقایسه کنید با طبیبان و حکیمان سنتی که بعضی‌ها حتی دیپلم هـــم ندارند و عنوان دکتر و پروفســـور و حکیم را برای خود جعل کرده‌انـــد. در حالی که آن‌ها چند کتاب قدیمی پزشکی را که مطالبش دیگر رد شده و از اعتبـــار افتاده خوانده‌اند و آن‌ها را پیوســـته در رســـانه‌های عمومی تکرار می‌کنند. مهم‌تر از همه این که ادعا می‌کنند که همه تخصص‌های پزشکی را دارند و همه بیماری‌ها را درمان می‌کنند. به علاوه تخصص داروسازی و رشته‌های مختلف آن را هم دارند و دارو می‌سازند و در عطاری‌ها می‌فروشند. آن هم بدون اجازه وزارت بهداری و بدون این که پروانه ســـاخت دارو داشته باشد. آن‌ها با یک نگاه، حتـــی بدون معاینه بیمار، گاهـــی از طریق رادیو، تلویزیون طبابت می‌کنند و داروهای خود را بدون دیدن و معاینه بیمار با پست می‌فروشند.